

جایگاه عقود معین در نظم بانکداری اسلامی و رابطه آن با کاهش فقر در جامعه

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۲/۲۰)

سولماز نظری

چکیده

در بینش اسلامی، دریافت و پرداخت بهره تحریم شده است؛ بنابراین عملیات بانکداری و مالی باید بدون بهره صورت گیرد، و اسلام روشهایی را برای جایگزین کردن بهره و نهادهای اقتصادی مبتنی بر آن پیشنهاد می‌کند، که از آن جمله می‌توان به عقود اسلامی به عنوان ابزاری کارآمد اشاره کرد. هدف این مقاله بررسی این عقود در سیستم بانکی و یافتن رابطه آنها با کاهش فقر در جامعه می‌باشد. برای رسیدن به این هدف، عقود سیزده گانه موجود در سیستم بانکی به همراه ویژگی‌های آنها بیان گردید و سپس بر اساس دسته بندی صورت گرفته از این عقود (قرض الحسنه، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی)، رابطه احتمالی هر کدام از آنها با فقر شرح داده شد. نهایتاً این مقاله به این نتیجه رسید که قرض الحسنه و عقود مشارکتی، می‌توانند به کاهش فقر در جامعه کمک کنند و عقود مبادله‌ای اگرچه کاربرد ساده تری نسبت به عقود ذکر شده دارند اما به دلیل بازدهی ثابت و از قبیل تعیین شده، عملاً سیستم بانکی را ربوی می‌کنند؛ بنابراین نمی‌توانند به ما در نیل به هدف اجتماعی و اقتصادی اسلام کمک نمایند.

۱۰۳

فصلنامه مطالعات فقهی بانکی - دوره دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۸

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، عقود معین، بانکداری بدون ربا، نظام اقتصادی،

سیستم بانکی



بخش اول: کلیات

ربا که همان بهره یا سود ثابت است، عامل عمده وجود فقر و شکاف طبقاتی در جامعه به شمر می‌آید. نظام های بانکی که آلوده به ربا هستند، موجب ورشکستگی واحدهای تولیدی می‌شوند و از آنجا بیکاری و فقر گسترش پیدا می‌کند؛ به علاوه سبب گران شدن و ایجاد تورم نیز می‌شوند که به گسترش فقر و شکاف طبقاتی می‌انجامد. یکی از مبانی عقیدتی اسلام و نظام اقتصادی مبتنی بر اصول اسلام، تحریم بلا شرط دریافت و پرداخت بهره است. بنابراین عملیات بانکداری و مالی باید بدون بهره صورت گیرد، و اسلام روشهایی را برای جایگزین کردن بهره و نهادهای اقتصادی مبتنی بر آن پیشنهاد می‌کند، که از آن جمله می‌توان به عقود اسلامی به عنوان ابزاری کارآمد اشاره کرد. هدف این مقاله بررسی این عقود در سیستم بانکی و یافتن رابطه آنها با کاهش فقر در جامعه می‌باشد. بنابراین برای رسیدن به این مقصود ابتدا و قبل از همه نقاط ضعف نظام بهره و پیامدهای آن شرح داده می‌شود. سپس این عقود شرح داده شده و ویژگی آنها بیان می‌گردد. در مراحل بعدی ارتباط احتمالی عقد قرض الحسنه، عقود مشارکتی، عقود مبادله ای با کاهش فقر بیان می‌شود و در پایان هم عملکرد این عقود در سیستم بانکی کشورمان مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت این مقاله به این نتیجه می‌رسد که، تنها قرض الحسنه و عقود مشارکتی می‌توانند به کاهش فقر در جامعه کمک کنند و عقود مبادله ای به دلیل بازدهی ثابت و از تعیین شده عملاً سیستم بانکی را ربوی می‌کنند، بنابراین نمی‌توانند به ما در رسیدن به عدالت اجتماعی و اقتصادی کمک نمایند.

بند اول: بهره و نقاط ضعف آن

بهره پدیده ای است که در اقتصاد متعارف و فعالیت های بانکی به شکل قانون اقتصادی مطرح است و نرخ بهره در محاسبات بانکی و اقتصادی به عنوان یک شاخص ملاک عمل قرار می‌گیرد. در یک تعریف کوتاه و خلاصه بهره عبارت است از مبلغی که اضافه بر اصل سرمایه وام دهنده به موجب شرط قبلی از وام گیرنده مطالبه و دریافت می‌نماید. چه اینکه این اضافه به طور مطلق شرط شده باشد یا به صورت درصد نسبت به سرمایه محاسبه شود. از آنجا که

بهره به موجب معیارهای شرعی از مصادیق ربای قرضی محسوب می شود لازم است نگاهی کوتاه به مساله ربا و انواع آن داشته باشیم. ربا به معنای « زیاده بر اصل » چه به صورت پول و چه به صورت جنس می باشد که در قرآن مجید صریحاً و موکداً منع شده است^۱ و به دو دسته تقسیم می شود:

الف) ربای معاملی: ربای معاملی یا معاوضه ای عبارت است از اینکه شخصی جنسی را با همجنس آن به اضافه به صورت پایاپای معامله نماید که نیازمند دو شرط است ، اول اینکه دو کالا همجنس باشند و دوم اینکه مکیل و موزون باشند.

ب) ربای قرضی: عبارت است از اینکه شخصی پول یا جنسی را به دیگری قرض بدهد و شرط کند که او هنگام پس دادن آن پول یا آن جنس چیزی اضافه بدهد. از این دو قسم ربای قرضی از اهمیت بیشتری برخوردار است و بیشتر مورد ابتلاء می باشد و ربای معاملی بیشتر در خرید و فروش پایاپای تحقق می یابد. به همین جهت بیشتر آیات قرآن که درباره ممنوع بودن و حرمت ربا آمده است به ربای قرضی ناظر است. چنانچه فرموده (یمحق الله الربا و یربی الصدقات)^۲ خداوند ربا را نابود می کند و صدقات را رشد می دهد زیرا مشخص است که صدقه در برابر ربای قرضی است و نه ربای معاملی و نیز در آیه دیگر فرموده (و ان تُبتم فلکم روس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون)^۳ اگر توبه کنید و از ربا بازگردید سرمایه هایتان از آن شما خواهد بود ، نه ستم می کنید و نه ستم می شوید . به طور کلی حاکمیت نظام بهره در هر جامعه ای زمینه ساز بروز یکسری از مشکلات و بی عدالتی ها می باشد. اکنون اگر نظام بهره را مورد بررسی قرار دهیم به روشنی می توانیم نقاط ضعف آن را دریابیم.

بخش دوم: ظلم اقتصادی و بهره کشی از کار دیگران

در نظام بهره سود سرمایه از ابتدا مشخص شده است و سرمایه دار هیچگونه خطرات احتمالی را نمی پذیرد و در هر شرایطی سود خود را دریافت می کند. یعنی اینکه در هر صورت به ثروت

۱- مرتضی مطهری « ربا، بانک، بیمه » ص ۷۸-۷۹

۲- سوره بقره ، آیه ۲۷۶

۳- سوره بقره، آیه ۲۷۹



سرمایه دار افزوده می شود، درحالی که سود بردن عامل کار به صورت یک احتمال است و حتی ممکن است به جای سود، زیان کند. اینجاست که تسلط سرمایه بر کار اثبات می شود و روشن است که محصول مستقیم بهره، افزایش ثروت سرمایه دار و بی بهره ماندن قشرکاری و زحمتکش از بازده کار خویش است. نظام بهره با موازین عقل و شرع مخالف است^۱، زیرا اولاً از نظر عقلی، سود محصول کار است و به کسی تعلق می گیرد که کار کرده است، در حالیکه در نظام بهره، سرمایه دار محصول کار نیروی کار را به موجب بهره به خود اختصاص می دهد و کارگر از حق استفاده از قسمتی از بازده کار خود محروم می شود، ثانیاً از نظر شرعی، ربا محکوم و مردود و حرام شرعی است.

بند اول: بی ثباتی اقتصادی

۱۰۶

یکی دیگر از زیان های نظام بهره، عدم تعادل و بی ثباتی اقتصادی است، زیرا در نظام سرمایه داری رشد اقتصادی همواره با نوسانات دوران رونق و رکود اقتصادی مواجه است و یکی از عوامل این بی ثباتی ها نظام بهره است، چون در نظام سرمایه داری تولیدکنندگان هر گاه انتظار بهبود اوضاع اقتصادی و در نتیجه آن سود بیشتر را داشته باشند اقدام به سرمایه گذاری می کنند و افزونی سرمایه، موجب به رونق خارج از قاعده و لجام گسیخته می شود. از سوی دیگر اگر انتظار رکود اقتصادی را داشته باشند با خودداری از سرمایه گذاری موجب به رکود بیشتر و وخامت اوضاع اقتصادی می شوند و مجموع این تغییرات و نوسانات منجر به عدم تعادل و بی ثباتی می گردد. آری به موجب نظام بهره است که غول های ثروت می توانند با سرمایه گذاری افراطی در یک کشور در حال رشد رونق افسارگسیخته و بی ضابطه ایجاد کنند، چنانکه در کره جنوبی واقع شد و نیز می توانند با برداشت سرمایه و تخلیه پول کشوری را دچار رکود بلکه فلج اقتصادی کنند، چنانکه در اندونزی در سال ۱۹۹۹ شاهد این ماجرا بودیم.^۲

^۱ - البته به نظر می رسد که با عقل اقتصادی مخالف است

^۲ - محمودی گلپایگانی، « مبانی فقهی نظام مشارکت در بانکداری بدون ربا» ص ۶۳

بند دوم: بی عدالتی در توزیع درآمد و افزایش اختلاف طبقاتی

در جامعه ای که نظام بهره حاکم است، گردش چرخ زمان همیشه به نفع سرمایه دار است، چرا که صاحب سرمایه در هر شرایط برنده است. در نظام بهره سرمایه دار از اقتصاد واقعی جامعه بریده است و با اتصال مداوم به اقتصاد بهره، پیوسته به ثروت خود می افزاید؛ در نتیجه عامل کار بازنده خواهد بود، چرا که پیوسته اختلاف پتانسیل درآمد به سود سرمایه و به زیان نیروی کار است و محصول این جریان بی عدالتی آشکار در توزیع درآمدها و نابه سامانی در اقتصاد ملی و در نهایت افزایش اختلاف طبقاتی است که از نظر عقل و شرع محکوم و مردود است. یکی از نتایج نظام بهره این است که گیرندگان بهره (سرمایه داران) از رفاه بیش از حد برخوردار هستند و دراز موارد در دام اسراف و تبذیر و تضييع اموال یا تکاثر و ثروت اندوزی سیری ناپذیر و عیاشی و لذت طلبی لجام گسیخته گرفتار می شوند و از سوی دیگر دهندگان بهره (عاملان تولید و نیروی کار) با وجود تلاش زیاد و زحمات طاقت فرسایی که متحمل می شوند، کمتر به رفاه نسبی دست می یابند.^۱ البته به غیر از زیان های اقتصادی ذکر شده، ضررهای دیگری هم وجود دارد از جمله اینکه موجب می شود انسان ها از کار نیک و خدمت به دیگران و تعاونی که به وسیله قرض الحسنه محقق می شود خودداری کنند.^۲ پس به طور کلی می توان گفت که حاکمیت نظام بهره از جهتی موجب گردش چرخ زندگی ثروتمندان و دولتهای بزرگ شده، و از جهت دیگر سبب فقر و ناتوانی طبقات ضعیف و دولت های کوچک گشته است.

بخش سوم: عقود اسلامی در عملیات بانکی بدون ربا

تحقق رفاه عمومی و برقراری عدالت اقتصادی از اهداف نظام اقتصادی اسلام می باشد و بدون تردید ترسیم و اجرای این نظام موجب زدودن پدیده شوم فقر از سطح جامعه می شود. یکی از گام های اساسی برای تحقق این مقصود، تغییر نظام بانکی و حذف بهره از پیکره آن و

۱- محمودی گلپایگانی، « مبانی فقهی نظام مشارکت در بانکداری بدون ربا » ص ۶۵-۶۰

۲- صادق شیرازی، « طرح هایی از اقتصاد اسلامی و مسئله ربا » ص ۲۲۳



استفاده از عقود اسلامی قابل تطبیق با نظام بانکداری است. در این قسمت عقود سیزده گانه تعریف شده و ویژگی آنها به اختصار بیان می شود. به طور کلی عقود اسلامی در سیستم بانکی به چهار گروه تقسیم می شوند که عبارتند از:

قرض الحسنه، عقود مبادله ای (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین، جعاله، ضمان)، عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، مساقات) و سرمایه گذاری مستقیم. سرمایه گذاری مستقیم از نظر آثار و نتایج شبیه قراردادهای مشارکتی است و گاهی جزء این دسته قرار می گیرد.^۱ گاهی نیز دسته بندی این عقود به این صورت است: عقد غیرانتفاعی (قرض الحسنه)، عقود انتفاعی با سود معین (عقود مبادله ای) و عقود انتفاعی با سود انتظاری (عقود مشارکتی و سرمایه گذاری مستقیم).

بند اول: قرض الحسنه

قرض الحسنه، عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین (قرض دهنده) مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر (قرض گیرنده) تملیک می کند که قرض گیرنده مثل و یا در صورت عدم امکان، قیمت آن را به قرض دهنده رد نماید. قرض الحسنه عقدی لازم است و از این رو مقروض نمی تواند قبل از انقضای مدت، طلب خود را مطالبه نماید. از نظر مدت زمان، قرارداد قرض الحسنه به طور متوسط از سلف و فروش اقساطی که قراردادهای کوتاه مدت هستند زمان بیشتری می برد و از مشارکت مدنی و جعاله که عقود بلندمدت هستند کوتاه تر است.^۲ بانک ها در موارد ذیل مبادرت به پرداخت قرض الحسنه می نمایند:

الف) به شرکت های تعاونی تولیدی و خدماتی (غیر از بازرگانی و معدنی) که فعالیت آنها اشتغال زا و برای تأمین مایحتاج ضروری جامعه است.^۳

^۱ - طیبیان، «مجموعه مقالات و سخنرانی های شانزدهمین سمینار بانکداری اسلامی»

^۲ - مجموعه مقالات و سخنرانی های دهمین سمینار بانکداری اسلامی، ص ۱۳۵

^۳ - عباس موسویان، «بانکداری بدون ربا از نظریه تا عمل» ص ۵۱

ب) به افرادی که مستقیماً به امر کشاورزی و دامپروری مبادرت می نمایند و همچنین به کارگاه ها و واحدهای تولیدی متعلق به افراد یا شرکت ها به منظور کمک به امر افزایش تولید در موارد ذیل:

۱- جلوگیری از توقف کارگاه ها و واحدهای تولیدی موجود

۲- راه اندازی کارگاه ها و واحدهای تولیدی راکد

۳- ایجاد و توسعه کارگاهها و واحدهای تولیدی کوچک در شهرهای کوچک و روستاها.

ج) برای رفع احتیاجات افراد مثل ، کمک برای ایجاد مسکن در روستاها ، کمک هزینه تحصیل، درمان بیماری ، تهیه جهیزیه ، هزینه ها ازدواج و

در واقع اعطای قرض الحسنه می تواند برای آن دسته افراد جامعه که بضاعت کافی برای تأمین نیازهای عمومی و ضروری خود ندارند ، قدرت مالی نسبی ایجاد نماید^۱.

بند دوم: عقود مشارکتی

الف) مشارکت مدنی: عبارت است از درآمیختن سهم الشرکه نقدی و غیر نقدی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی متعدد به نحو مشاع به منظور انتفاع ، طبق قرارداد. مشارکت مدنی در تأمین منابع مالی مورد نیاز در امور تولیدی ، بازرگانی و خدماتی مورد استفاده قرار می گیرد. حداکثر مدت مشارکت مدنی در امور تولیدی و احداث مسکن و ساختمان و همچنین طرح های جدید خدماتی ، سه سال است^۲.

ب) مشارکت حقوقی: مشارکت حقوقی عبارت است از: تأمین قسمتی از سرمایه شرکت های سهامی جدید و یا خرید قسمتی از سهام شرکت های سهامی موجود. مشارکت حقوقی منحصر در شرکت های سهامی عام و خاص انجام می پذیرد و برای تأمین تسهیلات بلندمدت

^۱- هدایتی ، « عملیات بانکی داخلی - ۲ » ، ص ۶۹

^۲- عباس موسویان ، « بانکداری بدون ربا از نظریه تا عمل » ص ۵۶- ۵۵



مورد نیاز واحدهای تولیدی، بازرگانی، خدماتی مورد استفاده قرار می گیرد. این ابزار کارآمد اگر در قلمرو تأسیس و راه اندازی واحدهای جدید و یا تکمیل و توسعه واحدهای موجود به کار گرفته شود، موجب رشد تولید و خدمات بازرگانی شده که منجر به افزایش کالا و خدمات در جامعه و در نتیجه کمک به توسعه اقتصاد کشور خواهد شد.

ج) مضاربه: مضاربه، قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین (مالک) عهده دار تأمین سرمایه نقدی می گردد با قید اینکه طرف دیگر (عامل) با آن تجارت کرده و در سود حاصله شریک باشند. عامل در عقد مضاربه همانند امین محسوب می شود؛ به این معنی که در صورت وارد شدن خسارت یا از بین رفتن سرمایه مضاربه، عامل ضامن نیست بلکه خسارت متوجه به سرمایه است، مگر اینکه عامل در حفظ و مراقبت سرمایه کوتاهی کرده باشد.^۱ در واقع در اینجا عامل ریسک از دست دادن وقت و نیروی کار را تقبل می کند و زیان تماماً به سرمایه می رسد. منظور از سرمایه و جوهی است که بابت تأمین هزینه های معامله صرف می شود که می تواند شامل: قیمت خرید کالا، هزینه های بسته بندی، حمل و نقل، انبارداری، بیمه و حق ثبت سفارش و غیره باشد. در قرارداد مضاربه شرط است که سرمایه گذاری تنها در کار تجارت باشد، پس هرگاه هدف از سرمایه گذاری کارهای دیگر مانند کشاورزی، صنعت و غیره باشد عقد مضاربه صحیح نیست.^۲

مضاربه از جمله عقود جایز و تسهیلات کوتاه مدت حداکثر یک ساله است.

د) مزارعه: مزارعه قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین (مزارع) زمین مشخصی را برای مدت معینی به طرف دیگر (عامل) می دهد تا در زمین مذکور زراعت کرده و حاصل بین مزارع و عامل تقسیم گردد.^۳ مزارعه عقدی لازم و یکی از روش های تأمین مالی کوتاه مدت در بخش کشاورزی محسوب می شود زیرا حداکثر مدت مزارعه یکسال می باشد مگر

^۱ - محقق حلی، «شرایع الاسلام»، ص ۲۸۶

^۲ - امام خمینی، «تحریر الوسیله»، ج ۱ ص ۶۰۹

^۳ - محمودی گلپایگانی، «مبانی فقهی نظام مشارکت در بانکداری بدون ربا» ص ۱۱۱

اینکه دوره زراعی زراعت موضوع قرارداد بیش از یک سال باشد^۱. بانک ها می توانند به منظور افزایش بهره وری و تولید محصولات کشاورزی به عنوان مزارع، اراضی مزروعی را که مالک آنها بوده و یا ملکی باشد که به هر عنوان مجاز در تصرف و بهره برداری از آن باشند، طبق قرارداد به مزارعه واگذار نمایند.

ذ) مساقات: معامله ای است که بین صاحب درخت و مانند آن، با عامل منعقد می گردد و بر اساس آن صاحب درخت، درخت یا درختان خود را به عامل می سپارد تا وی فعالیت های مربوط به نگهداری و آبیاری را انجام دهد و در مقابل بخشی از محصول را مالک شود. عقد مساقات در مورد درختانی صحیح است که دارای ریشه ثابت باشند و از آنها میوه مورد استفاده بدست آید. درختان باید فعال و میوه رسان باشند؛ بنابراین مساقات در مورد درختانی که به میوه ننشسته اند و تا پایان قرارداد میوه نخواهند داشت صحیح نیست. به موجب قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانکها فقط می توانند به عنوان مالک (باغدار) باغات و درختان مثمری را که مالک عین یا منفعت آنها بوده و یا به هر عنوان مجاز در تصرف و بهره برداری از آنها باشند به منظور افزایش بهره وری و تولید محصولات کشاورزی به مساقات داده و عندالزوم نیز سایر عوامل لازم نظیر آب، کود، سم و وسیله حمل و نقل را تأمین نمایند^۲.

به طور کلی ویژگی عقود مشارکتی را می توان به صورت زیر بیان کرد:

۱) مستمر بودن قرارداد: معاهده های مشارکتی، ماهیتی استمراری دارند و تا پایان فعالیت اقتصادی و سررسید معاهده، قرارداد، استمرار دارد، برای مثال، وقتی چند نفر جمع شده، از طریق مشارکت مدنی، سرمایه فعالیت اقتصادی را تأمین می کنند تا زمانی که فعالیت مذکور ادامه دارد و شرکت منحل نشده، قرارداد استمرار دارد. همین وضعیت در دیگر معاهده های مشارکتی نیز وجود دارد.

۴- هدایتی، «عملیات بانکی داخلی - ۲»، ص ۱۵۰-۱۴۷

۲- همان منبع، ص ۱۵۵

۲) مشارکت در نتایج سود و زیان: در معاهده های مشارکتی، دو طرف یا طرفین به تمام حوادث و پیامدهای مثبت و منفی فعالیت اقتصادی ملتزم هستند، اگر نتیجه فعالیت سود سرشار بود، برای همه توزیع می شود و اگر ضرر بود، برای همه است و اگر هیچ چیز نبود، نتیجه برای همه می شود.

۳) متغیر بودن سود: مقدار سود صاحبان شرکت، تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی کل جامعه و متغیرهای تأثیرگذار بر بنگاه مربوطه قرار دارد، در نتیجه در ابتدای سال مالی گرچه می توان با توجه به پارامترهای گوناگون، دامنه سود انتظاری را پیش بینی کرد، سود تحقق یافته در پایان دوره مالی مشخص می شود.

۴) اذنی بودن قرارداد: یعنی سرمایه ای که بانک در اختیار واحدها می گذارد به مالکیت آنها در نمی آید بلکه تنها اذن تصرف به آنها داده می شود.

۵) نیاز به نظارت و کنترل دارد: نتیجه منطقی ویژگی های پیشین این است که شریکان و صاحبان فعالیت اقتصادی برای استیفای کامل حقوق خود، به صورت پیوسته و مستمر جریان هزینه ها و درآمدها را نظارت و کنترل کنند، چون احتمال انواع اشتباهات مالی وجود دارد^۱.

بخش چهارم: عقود مبادله ای

بند اول: فروش اقساطی

منظور از فروش اقساطی عبارت است از واگذاری عین به بهای معلوم به غیر به ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای مزبور به اقساط مساوی یا غیر مساوی در سررسیدهای معینی دریافت گردد. مطابق قانون، روش فروش اقساطی باید فقط برای تأمین منابع مالی مورد نیاز در امور تولیدی و خدماتی مورد استفاده قرار گیرد نه در امور بازرگانی و مصارف شخصی. بانک ها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت استفاده در امور تولیدی و خدماتی، سه گروه کالای زیر را تهیه و از طریق فروش اقساطی به متقاضیان واگذار نمایند:

۲- سید عباس موسویان، «روزنامه دنیای اقتصاد»

یک. مسکن

دو. مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار

سه. وسایل تولید، ماشین آلات و تأسیسات

فروش اقساطی ابزاری کوتاه مدت جهت رفع نیازهای سرمایه در گردش واحدهای تولیدی از لحاظ مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار بوده و به صورت ابزاری میان و بلندمدت برای رفع نیازهای سرمایه ای واحدهای تولیدی و خدماتی از لحاظ وسایل تولید، ماشین آلات و تأسیسات، و ابزاری بلندمدت جهت رفع نیازمتمقاضیان در زمینه مسکن می باشد.

بند دوم: اجاره به شرط تملیک

اجاره به شرط تملیک عقد اجاره ای است که در آن شرط می شود مستأجر در پایان مدت اجاره در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد عین مستأجره را مالک گردد. بانک ها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور خدماتی، کشاورزی، صنعتی و معدنی به عنوان موجد مبادرت به معاملات اجاره به شرط تملیک نمایند؛ همچنین برای گسترش امر مسکن، بانک می تواند واحدهای مسکونی ارزان قیمت را که مستقیماً و یا از طریق اعطای هر یک از تسهیلات بانکی توسط بانک احداث شده مورد معامله اجاره به شرط تملیک قرار دهند. اجاره به شرط تملیک جزء عقود لازم و از تسهیلات میان و بلندمدت اعتباری است.

بند سوم: سلف

در عملیات بانکی، مقصود از معامله سلف پیش خرید محصولات تولیدی (صنعتی، کشاورزی، معدنی) به قیمت معین است. تولیدکنندگانی که در جریان تولید کالا و فرآورده دچار کمبود سرمایه در گردش می شوند، می توانند از طریق پیش فروش قسمتی از تولیدات خود به بانک، نیاز مالی خودشان را برآورند. پیش خرید محصولات واحدهای تولیدی در صورتی مجاز است که مقدار، نوع، قیمت و سایر مشخصات متعارف محصولات مورد معامله معین و معلوم باشد و بهای آن نقداً از طرف بانک پرداخت گردد. و از طرفی محصول مورد



معامله باید، اولاً، توسط خود شخص متقاضی تسهیلات سلف تولید شود و ثانیاً، سریع الفساد نباشد و ثالثاً، سهل البیع باشد.^۱

بند چهارم: جعاله

جعاله عبارت است از التزام شخص (جاعل) یا کارفرما به ادای مبلغ یا اجرت معین (جعل) در مقابل عملی معین طبق قرارداد اعم از اینکه طرف معین باشد یا نامعین. بنابراین دو گونه جعاله داریم: جعاله عام و خاص

اگر عامل شخص معینی باشد به آن جعاله خاص و اگر نامعین باشد به آن جعاله عام گویند. بانک ها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی با تنظیم قرارداد به عنوان عامل یا عندالاقضاء به عنوان جاعل مبادرت به جعاله نمایند. هزینه هایی که برای انجام عمل جعاله لازم است، علی الاصول، بر عهده عامل می باشد، زیرا عامل تعهد انجام عمل مورد جعاله را نموده و تعهد بر هر امری تعهد بر لوازم آن نیز هست. جعاله عقدی جایز و از تسهیلات کوتاه مدت اعتباری است.

بند پنجم: خرید دین

خرید دین تسهیلاتی است که به موجب آن بانک سفته یا براتی را که ناشی از معامله نسیه تجاری است، خریداری می کند. در واقع اشخاص کالاهای مورد نیاز خود را خریداری می کنند و به جای پرداخت وجه نقد، سفته ای معادل قیمت خرید به سرسید معین به فروشندگان تحول می دهند. فروشندگان کالا سفته را به بانک محل اعتبار خریدار برده تنزیل می کنند. خرید دین از جمله تسهیلات کوتاه مدت جهت تأمین نیازهای مالی واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی می باشد و فقط آن دسته از اسناد و اوراق بهادار که مفاد آن حاکی از بدهی حقیقی ناشی از معاملات تجاری باشد می تواند موضوع معاملات قرار گیرد.

^۱ - هدایتی، «عملیات بانکی داخلی - ۲»، ص ۱۳۶

بند ششم: ضمان

عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون له، و شخص ثالث را مدیون اصلی گویند. بانک ها می توانند در هر مورد که منع قانونی نداشته باشد نسبت به صدور ضمانت نامه اقدام نمایند. مثلا برای ترخیص کالا از گمرک، تعهد خروج برگشت کالا به مبدا و انجام تعهدات، تعهدات در مقابل مقامات قضایی و اجرایی، شرکت در مناقصه و مزایده و غیره.

به طور کلی عقود مبادله ای دارای ویژگی های زیر هستند:

(۱) مقطعی بودن معاهده ها: معاهده های مبادله ای، پس از پایان قرارداد به پایان می رسند و دو طرف قرارداد، مسوولیتی در برابر فعالیت های اقتصادی و معامله های همدیگر ندارند، برای مثال در قرارداد فروش اقساطی، فروشنده هیچ مسوولیتی در قبال فعالیت های اقتصادی خریدار ندارد. خریدار چه توانایی استفاده از کالای خریداری شده را داشته باشد یا نداشته باشد، بتواند سود انتظاری خود را از فعالیت مذکور تحصیل کند یا نه، معامله از ناحیه فروشنده، قطعی و تمام شده است. این وضعیت در اجاره، سلف و تنزیل نیز هست و با قدری تفاوت در جعاله نیز وجود دارد.

(۲) رابطه بدهکار و بستانکار: پس از پایان معاهده های مبادله ای، رابطه حقوقی متعاملین، رابطه بدهکار و بستانکار است و پس از وفا به معاهده، این رابطه به پایان می رسد.

(۳) قابلیت برای نرخ های ثابت و از قبل تعیین شده: معاهده های مبادله ای، قابلیت برنامه ریزی برای نرخ های سود ثابت و از قبل تعیین شده را دارند.

(۴) تملیکی بودن قراردادها: یعنی در پایان قرارداد، عوضین به ملکیت طرفین درمی آید.

(۵) عدم نیاز به کنترل و نظارت: لازمه منطقی ویژگی های پیشین این است که پس از پایان قرارداد مالی، به نظارت و کنترل از طرف متعاقدين بر فعالیت های اقتصادی همدیگر نیازی

نباشد، چرا که نه تحولات اقتصادی کل جامعه و نه تدابیر مدیریتی بنگاه مربوط، هیچ تاثیری در مبالغ قرارداد ندارد.

بخش پنجم: سرمایه گذاری مستقیم

سرمایه گذاری مستقیم عبارت است از، تأمین تمام سرمایه لازم برای اجرای طرح های تولیدی (صنعتی، معدنی، کشاورزی و ساختمانی) بازرگانی و خدماتی که به صورت شرکت های سهامی راه اندازی می شوند و توسط یک یا چند بانک- بدون مشارکت اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر- انجام می گیرد. سرمایه گذاری مستقیم در مواردی است که اشخاص حقیقی و حقوقی راغب به مشارکت با بانک نباشند و سرمایه گذاری مورد نظر با اولویت های برنامه توسعه اقتصادی تطبیق نماید. شیوه سرمایه گذاری مستقیم می تواند در تأمین مالی طرح های مهم و زیربنایی کشور - که دولت به جهت کسری بودجه توان تأمین مالی آنها را ندارد - شیوه مفید و موثری باشد و بدون تحمیل آثار تورمی به رشد و توسعه اقتصادی کمک کند.^۱ حالا با توجه به تعاریف ارائه شده از این عقود می توانیم رابطه احتمالی هر کدام از آنها را با کاهش فقر بیان کنیم.

بند اول: آثار اقتصادی عقد قرض الحسنه

قرض الحسنه می تواند به عنوان یکی از بهترین ابزارهای کارآمد در سیستم بانکی باشد و برای آن دسته از افراد که بضاعت کافی برای تأمین مالی نیازهای عمومی و ضروری خود را ندارند، قدرت مالی نسبی را ایجاد نماید. در ادامه برخی از آثار اقتصادی عقد قرض الحسنه گفته خواهد شد که مطالب فوق را تأیید می کند.

۱- افراد معمولاً همه وجوهی که در اختیار دارند مصرف یا سرمایه گذاری نمی کنند بلکه همیشه بخشی از آن را به صورت نقد یا شبه پول نگه می دارند. در شرایطی که فرصت های سرمایه گذاری وجود ندارد و خطر اینگونه فعالیت ها زیاد است افراد بخش بیشتری از پول

^۱ - عباس موسویان، «بانکداری بدون ربا از نظریه تا عمل» ص ۶۰

خود را راکد نگه می دارند. این وجوه را معمولاً مردم قرض می دهند، زیرا همان ضامن و امنیتی که مد نظر اشخاص است تأمین می کند. پس اولین اثر آن به جریان افتادن وجوه راکد است.

۲- چون این وجوه در اختیار سایر مصرف کنندگان و تولیدکنندگان قرار می گیرد و تقاضای آنها تأمین می شود، رفاه و تولید کل در اقتصاد بالا می رود.

۳- جریان اطلاعات در اقتصاد افزایش می یابد زیرا متقاضیان برای ابراز تقاضا و توجیه آن باید اطلاعات خود را ارائه دهند.

۴- در اثر انتشار و ازدیاد جریان اطلاعات، خطر و نا اطمینانی در اقتصاد کاهش می یابد.

۵- گسترش قرض الحسنه موجب بهبود توزیع درآمد میان قشرهای مختلف می شود.

۶- کارایی اقتصادی بالا می رود.

۷- بالاخره، به دنبال آثار فوق، گسترش خدمت قرض الحسنه می تواند از شدت تورم و رکود جلوگیری کند!

مطالب گفته شده در بالا به خوبی گواه این موضوع می باشند که اگر این عقد به طور مناسب در سیستم بانکی استفاده شود، می تواند در جهت کاهش فقر و زدودن پدیده فقر از سطح جامعه باشد.

بند دوم: رابطه عقود مشارکتی با کاهش فقر

معمولاً عوامل مختلفی (عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی) وجود دارند که سبب پدید آمدن فقر در هر جامعه ای می شوند. پس در یک برنامه سنجیده برای جلوگیری از پدیده فقر باید از بین بردن عوامل پدید آورنده آن مورد توجه قرار گیرد. در اینجا تنها به شیوه

برخورد با عوامل اقتصادی اکتفا می شود و نقشی که عقود مشارکتی در از بین بردن این عوامل دارند توضیح داده خواهد شد.

۱- توزیع ناعادلانه ثروت

در جوامعی که ثروت ها و منابع طبیعی که برای بهره برداری همه مردم آفریده شده، در اختیار گروه هایی خاص قرار می گیرد و بسیاری از مردم از آن بی بهره اند، فقر فراگیر می شود و به تدریج فاصله طبقاتی فزونی می یابد. البته منشأ نابرابری اقتصادی و پدید آمدن فاصله طبقاتی را باید در مراحل مختلف قبل از تولید، تولید، توزیع جست و جو کرد که مهمترین نقش بانکداری اسلامی در عادلانه شدن توزیع بعد از تولید است. برطبق توزیع بعد از تولید، وقتی منابع اولیه در جریان تولید قرار می گیرند، سود حاصل از آنها میان افرادی که در جریان تولید دخالت داشته اند، تقسیم می شود. وقتی سرمایه در ریسک تولید شرکت نکند سهمی از سود نخواهد داشت و نیروی کار می تواند از طریق مزد یا مشارکت در فرایند تولید و تجارت (مزارعه، مساقات، مضاربه، شرکت) به سهم خود برسد.

۲- فقدان سرمایه

یکی از عوامل مهم در عقب ماندگی و فقر کشورها پایین بودن میزان سرمایه گذاری در این کشورها می باشد. در نظام بانکی مبتنی بر مشارکت عرضه و تقاضای وجوه سرمایه گذاری به دلایلی افزایش می یابد.

الف) افزایش عرضه وجوه سرمایه گذاری: در نظام مبتنی بر بهره، صاحبان پس انداز گرفتن بهره را به سرمایه گذاری ترجیح می دهند، چون در نهایت اصل پول آنها به همراه بهره تضمین شده است و این باعث می شود که اولاً وام ها به فعالیت های کوتاه مدت اختصاص یابد که مانع از اجرای طرح های مفید اقتصادی شده و به اقتصاد حقیقی آسیب می زند و ثانیاً در شرایطی که نرخ بهره پایین است، بخشی از پول را کد می ماند و وارد بازارهای پولی و سفته بازی می شود. اما با حذف بهره از سیستم، دیگر زمینه ای برای تخصیص پس اندازها به ربا و

سفته بازی وجود نخواهد داشت و تنها راه برای کسانی که قصد کسب درآمد از پس اندازهایشان را دارند مشارکت با تولیدکنندگان در فعالیتهای سرمایه گذاری است. پس عرضه وجوه پس انداز افزایش می یابد.^۱

ب) افزایش تقاضا برای وجوه سرمایه گذاری: در نظام ربوی، تقاضا برای سرمایه گذاری زمانی وجود دارد که نرخ بهره وری آن طرح بیشتر از نرخ بهره بانک باشد. اما در نظام مشارکت به علت امکان پذیر نبودن سفته بازی و استفاده از بهره پول، تا وقتی که نرخ بهره وری بزرگتر از صفر باشد، تقاضا برای سرمایه گذاری وجود دارد. از طرفی در نظام مشارکت خطرات سرمایه گذاری به دلیل مشارکت صاحبان پس انداز در ریسک حاصل از فعالیتهای اقتصادی کاهش می یابد و موجب کاهش سهم تولیدکننده در تحمل خسارات ناشی از این خطرات می شود.

۳- فقدان امکانات شغلی

بیکاری بلای اقتصادی - اجتماعی شناخته شده ای است که به از دست دادن حیثیت و کاهش تولید و پس انداز می انجامد و از عوامل مهم پیدایش و تشدید فقر است. در نظام ربوی حجم پس اندازها بیشتر از سرمایه گذاریها است که این منجر به بیکاری می شود (تساوی پس اندازها و سرمایه گذاری شرط اشتغال کامل است). با حذف بهره و منحصر شدن سودآوری پس اندازها در فعالیتهای سالم اقتصادی از طریق مشارکت، حجم سرمایه گذاریها افزایش می یابد.

۴- پایین بودن بهره وری و سود

^۱ - از طرف دیگر ممکن است مردم از قراردادن وجوه خود در حسابهای مشارکت به علت نداشتن بازده بدون ریسک برای سپرده ها، امتناع ورزند و در عوض وجوه خود را در زمینه های غیر پولی مثل زمین و کالاهای بادوام و غیره سرمایه گذاری کنند که نتیجه آن کاهش عرضه وجوه است. نقل به معنی از محسن خان و عباس میرآخور، «مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی»، ص، ۱۸۴

در نظام بانکی بدون ربا، صاحبان سپرده‌ها در سود حاصل از عملیات موضوع مشارکت سهام می‌باشند که این سهم بر خلاف نظام بهره دارای نرخ ثابتی نیست و بستگی مستقیم به عواملی چون مدیریت صحیح، سرعت عمل، وجود بازار برای محصول، دارد و به همین سبب تشویق طرفین به فعالیت بیشتر در جهت تحقق اهداف موضوع مشارکت خواهد شد که نتیجه آن سودآوری بیشتر برای تولیدکنندگان و همچنین صاحبان سهام می‌باشد.

۵- پایین بودن سطح تولید

یکی از آثار بارز عوامل فوق کاهش سطح تولید است. در نظام بهره، صاحبکار اقتصادی مجبور به پرداخت بهره معین است که این بهره همانند مالیات واحد بر فروش جزء هزینه متغیر محسوب می‌شود و منحنی‌های هزینه نهایی و متوسط را به سمت بالا منتقل می‌کند و چون تولیدکننده به دنبال حداکثر کردن سود است این برابری در سطوح بالای قیمت ایجاد می‌گردد که سطح تولید کمتری را به دنبال خواهد داشت. در صورتی که در نظام مشارکت سودی که به صاحب سرمایه پرداخت می‌شود همانند مالیات بر سود جزء هزینه‌ها محسوب نمی‌شود و در نتیجه منحنی‌های هزینه در سطح پایین‌تری تشکیل می‌شود و تولید افزایش می‌یابد.

۶- افزایش بی‌رویه قیمت‌ها

تورم‌های لجام‌گسیخته آتار سوء فراوانی در ابعاد اقتصاد بر جای می‌گذارد که بیشترین اثر را در توزیع درآمدها، پس‌اندازها، تولید و غیره می‌گذارد. در شرایط تورمی توزیع درآمدها به نفع سرمایه‌داران و به ضرر افرادی است که صاحب‌دارایی‌های ثابت هستند؛ پس شکاف طبقاتی گسترش می‌یابد. در نظام بانکداری ربوی، بانک‌ها توان خلق پول دارند اما این خلق پول اغلب بدون توجه به امکانات جامعه است که در نهایت منجر به تورم می‌شود. اما در بانکداری اسلامی، بانک‌ها توانایی خلق پول را ندارند و در عوض به عرضه سرمایه می‌پردازند. منشأ این سرمایه‌گذاری‌ها در حقیقت سپرده‌گذارانی است که به این طریق با واسطه بانک‌ها در تولید شریک می‌شوند و از منافع آن‌ها مستقیماً بهره‌مند خواهند شد. از

طرف دیگر می توان گفت، به دلیل افزایش تولید و اشتغال، عرضه کل افزایش می یابد و تابع آن به سمت راست منتقل می شود و سطح عمومی قیمت ها کاهش می یابد.

۷- بی ثباتی اقتصادی

در نظام مشارکت، سود بین تولیدکنندگان و صاحبان سرمایه تقسیم می شود و در مورد ضررهای احتمالی نیز به موجب قانون راهکارهایی برای توزیع و تقسیم زیان پیش بینی شده است. بنابراین در نظام مشارکت نه رونق خارج از ضابطه و لجام گسیخته پیش خواهد آمد و نه اقتصاد دچار سکون و رکود خواهد گردید. علاوه بر اینها بالا بودن سطح اشتغال و توزیع عادلانه درآمدها ثبات بیشتری به اقتصاد می بخشد.

۸- آسیب پذیری در برابر شوک ها

در نظام بانکی ربوی، بانک بایستی ارزش اسمی سپرده را تضمین کند و وارد آمدن شوک می تواند باعث بروز تفاوت بین ارزش واقعی داراییها و بدهی ها شود. اما در نظام بانکی مبتنی بر مشارکت از آنجا که ارزش اسمی سپرده های سرمایه گذاری تضمین نمی شود و بر حسب عملکرد هر بانک تغییر می کند، هر شوکی که به وضعیت دارایی های بانک وارد شود، به وسیله تغییر در ارزش سهام (سپرده های) مردم جذب می شود. مطالب گفته شده دلالت بر این دارند که نظام مشارکت می تواند در جهت کاهش فقر باشد مشروط بر اینکه نظام بانکی به طور واقعی و براساس مشارکت صورت گیرد در غیر این صورت همان آثار نظام بهره را به دنبال خواهد داشت.

بخش نهم: رابطه عقود مبادله ای با کاهش فقر

همانطور که شرح داده شد عقود مبادله ای دارای بازدهی ثابت و از قبل تعیین شده می باشند. این عقود چنان تنظیم شده اند که دقیقاً ماهیت بانکداری ربوی را ایفا می کنند. همانطور که در بانکداری ربوی بانک با قطع نظر از نقش آفرینی سرمایه در کل اقتصاد و با قطع نظر از



عملکرد بنگاهی که متقاضی سرمایه است وام و اعتبار در اختیار او قرار داده بهره مشخصی را مطالبه می کند. در این عقود نیز بانک ها با قطع نظر از نقش سرمایه و عملکرد بنگاه خاص قیمت را چنان تنظیم می کنند که سود از قبل تعیین شده بانک تأمین شود. این عقود تنها در مواردی به کار بسته می شوند که مشارکت در سود و زیان قابل اجرا نباشند در سایر موارد، محققین اسلامی به کارگیری این عقود را جایز نمی دانند و هشدار داده اند^۱ که استفاده از این عقود سیستم را به سمت نظام ربوی سوق می دهد و معتقدند که باید استفاده از عقود مشارکتی جایگزین استفاده از عقود مبادله ای شود. البته ذکر این نکته ضروری است که ناکارآمدی این عقود به دلیل ماهیت این عقود نیست چون این عقود اسلامی می باشند و اسلام به دلیل جامعیتش، نسبت به نیازهای فردی و اجتماعی اقدام به تشریح روابط و معاملات متنوع اقتصادی کرده است که هر یک از آنها در شرایط و بازار خاصی جواب می دهند. دلیل عمده این ناکارآمدی، تعریف و به کارگیری نامناسب این عقود در سیستم بانکی فقدان ساختار جرایمی مناسب، آموزش مناسب و کافی، عدم نظارت و کنترل و غیره است. در اینجا لازم است نگاهی گذرا به نقاط ضعف بعضی از این عقود داشته باشیم. گفته شده که فروش اقساطی، جزء ضعیف ترین نوع عقود در سیستم بانکی است. دلیل آن این است که فرق بانکداری ربوی و اسلامی در این است که بانکداری ربوی کاری به بخش حقیقی اقتصاد ندارد و بانک ها تنها واسطه وجوه هستند، در حالیکه بانک اسلامی در بخش حقیقی اقتصاد کار میکند. در فروش اقساطی از زمانی که مشتری کالایی را از طرف بانک خریداری می کند تا زمانی که فاکتورش را به بانک تحویل می دهد، تا موقعی که این فاکتور قسط بندی شده و به مشتری تحویل داده می شود، بانک مالکیت این کالا را دارد که در این فاصله هیچ تغییری در بخش حقیقی اقتصاد رخ نمی دهد. و در اینجا همانند بانکداری ربوی، بانک تنها واسطه وجوه است^۲. در عقد سلف بانک هنگام تحویل کالا، خود فروشنده کالا را از طرف خود وکیل می کند تا کالا را به قیمت معین بفروشد و اگر هم بیشتر فروخت از آن خود فروشنده

^۱ - محسن خان و عباس میرآخور، «مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی»، ص ۲۸۶

^۲ - سید عباس موسویان، «بانکداری بدون ربا از نظریه تا عمل»، ص ۸۵

است. این باعث شده قیمت فروش سلف به قیمت فروش کالا تا حد زیادی صوری شود؛ یعنی بانک در تعیین قیمت خرید سلف و در تعیین قیمت فروش از قیمت های واقعی چشم پوشد و آنها را طوری تنظیم می کند که به سود مورد نظر در زمان معین برسد. این علاوه بر ایجاد شبهه ربا، موجب جدایی سیستم بانکی از بازار حقیقی و در نتیجه عدم کارایی عقد سلف می شود.^۱ خرید دین هم دارای مشکلات فقهی است از جمله اینکه گفته شده که فروش چک یا سفته به شخص ثالث به کمتر، ربا و حرام است.^۲ در زمینه عقود مشارکتی نیز بعضی عقود مثل مزارعه و مساقات، وارد معاملات بانکی شده اند در حالی که بانک نمی تواند در بلندمدت به عنوان صاحب زمین زراعی یا صاحب باغ های میوه با زارعان و باغداران وارد معامله شود. به طور کلی با توجه به نقاط ضعف این عقود می توان گفت:

هر چند این عقود کاربرد ساده تری از مشارکت در سود و زیان دارند، ولی نمی توانند برای استفاده گسترده توصیه شوند، زیرا آنها نمی توانند ما را در نیل به هدف اجتماعی و اقتصادی اسلامی کمک نمایند و هیچ مکانیزمی غیر از مشارکت در سود و زیان واقعا با روح اسلام سازگاری ندارد.^۳

بخش هفتم: بررسی عملکرد عقود در سیستم بانکی ایران

با مطالعه آمار و ارقام منتشره از طرف بانک مرکزی می توان دریافت که با گذشت زمان جهت گیری فعالیت های بانک ها عمدتاً به سمت به کارگیری عقود با بازدهی ثابت است و در این میان فروش اقساطی که ضعیف ترین نوع عقود در سیستم بانکی است بیشترین رشد را داشته است. از طرفی ارائه تسهیلات از طریق عقود مشارکتی مرتب کاهش یافته است و می توان گفت که بانک ها عقود با بازدهی ثابت را جایگزین عقود مشارکتی کرده اند.

۳- مجموعه مقالات و سخنرانی های هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، ص ۲۲۷

۱- امام خمینی، «استفتاءات جدید»، ج ۲، ص ۱۷۶-۱۷۵

۲- محسن خان و عباس میر آخور، «مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی»، ص ۲۹۶

علاوه بر این عقود مشارکتی عملاً تغییر ماهیت داده اند و تبدیل به عقود با بازدهی ثابت شده اند. مثلاً در مشارکت مدنی بدون توجه به پیش بینی سود، مقدار سود ثابت و معین دریافت می شود. در مورد مضاربه هم بانک ها در عمل بدون توجه به نتایج واقعی معامله حداقل سود پیش بینی شده را مطالبه می کنند. گاهی نیز محاسبات بانک ها حالت صوری به خود می گیرد. مثلاً در عقد جعاله جهت تعمیر مسکن، به مراجعه کننده پول داده می شود تا خود او اقدام به تعمیر مسکن کند و این در واقع جعاله نیست. یا در مشارکت مالی و فروش اقساطی مسکن، معمولاً قیمت گذاری بانک واقعی نیست. هدف دریافت اصل مبلغ پرداخت شده همراه سود مورد نظر است و قیمت بر اساس آن تعیین می گردد. نتیجه آن است که این سود، سود فعالیت اقتصادی نیست و بانکداری بدون ربا، آن ارتباطی را که باید بین بازار کالا و خدمات و بازار پولی فراهم کند، نمی تواند فراهم کند. از نظر فقهی و شرعی هم نه آن تقاضایی که او کرده تقاضای به جایی است و نه مساعدتی که بانک کرده مساعدت درستی، و در واقع به بانکداری بدون ربا صورت شرعی داده ایم و نه واقعیت شرعی.

نتیجه گیری

همانطور که شرح داده شد، نظام بهره میتواند منجر به بروز بی عدالتی، فقر اکثریت و نابرابری اقتصادی شود. در قوانین فقه اسلامی برای رشد تولید و افزایش فعالیتهای اقتصادی و برقراری عدالت اقتصادی و تحقق رفاه عمومی، احکام و راهکارهایی ارائه شده است. یکی از این راهکارها چنانچه شرح داده شد، حذف بهره از سیستم بانکی و استفاده از عقود و قراردادهای اسلامی قابل تطبیق با نظام بانکداری است. از میان عقود ذکر شده تنها قرض الحسنه و عقود مشارکتی، می توانند به کاهش فقر در جامعه کمک کنند. عقود مبادله ای اگرچه کاربرد ساده تری نسبت به عقود ذکر شده دارند اما به دلیل بازدهی ثابت و از قبل تعیین شده، عملاً سیستم بانکی را ربوی می کنند؛ بنابراین نمی توانند به ما در نیل به هدف اجتماعی و اقتصادی اسلام کمک نمایند. پس به طور کلی می توان گفت، اگر هدف اقتصادی و سیاست های اقتصادی کشورها عدالت اجتماعی باشد و بخواهیم عدالت اقتصادی را در بعد سیستم

پولی به اجرا درآوریم چاره ای نداریم جز اینکه سپرده گذاران را در سرمایه گذاری هایی که با پول آن ها انجام می شود مشارکت دهیم و از قرض الحسنه استفاده کنیم. متأسفانه در نظام بانکداری فعلی ما، عقود مبادله ای جایگزین عقود مشارکتی شده اند و عقود مشارکتی عملاً تغییر ماهیت داده اند و تبدیل به عقود با بازدهی ثابت شده اند . بنابراین می توان گفت این عقود نمی توانند به عنوان ابزاری کارآمد در جهت کاهش فقرمورد استفاده قرار گیرند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۲۵

فصلنامه مطالعات فقهی بانکی - دوره دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۸



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
National Library and Archives of Iran



منابع و مآخذ

۱. تحریر الوسیله، امام خمینی، سیدروح...، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ ق.
۲. اصول بانکداری، محمود بهمنی و مهدی غفاری، تهران: موسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۴.
۳. ابن ادريس حلی، محمدبن منصوربن احمد؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ ج ۲، قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴. ارزیابی قراردادها و شیوه های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا فصلنامه اقتصاد اسلامی، سیدعباس موسویان، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۴.
۵. بانکداری اسلامی، سیدعباس موسویان، چاپ پنجم، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، زمستان ۱۳۸۶.
۶. بانکداری الکترونیکی، حسین عباسی نژاد و مینامهرنوش، انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
۷. بانکداری داخلی ۱ (تجهیز منابع پولی)، محمد بهمند و محمود بهمنی، موسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۴.
۸. بانکداری در تئوری و عمل، سیدجلیل حسینی اجداد نیایکی، ترمه، ۱۳۸۶.
۹. بررسی فقهی و اقتصادی سودتضمین شده (علی الحساب) در سیستم بانکداری بدون ربا، مجله اندیشه حوزه، محمدحسین حسین زاده بحرینی، شماره ۴، بهار ۱۳۷۵.
۱۰. بررسی مشکلات بانکداری بدون ربا، فصلنامه حوزه و دانشگاه، گروه اقتصاد (مؤلف)، شماره ۳، تابستان ۱۳۷۴.
۱۱. پول و ارز و بانکداری، یوسف فرجی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، آبان ۱۳۸۶.

۱۲. حسینی عاملی، سیدمحمدجواد؛ مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه؛ ج ۵ ، بیروت. اراحياء التراث العربی
۱۳. حلّی، جعفر بن حسن؛ شرایع الاسلام؛ ج ۲، تهران: انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ ق
۱۴. حلّی، حسن بن یوسف؛ تذکره الفقهاء؛ ج ۱۱، قم: مؤسسه آل البيت
۱۵. عقدحواله، دکتر جعفری لنگرودی، محمدجعفر، انتشارات دانشگاه ملی، تهران، ۱۳۵۳.
۱۶. ضمانت نامه های بانکی، دکتر کاشانی، سید محمود، موسسه عالی بانکداری ایران بانک مرکزی ج.ا.ا.، تهران، ۱۳۷۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی